

سیاست نفوذ فرهنگی و سیاسی جریان فراماسونری از کانال تصوف و صوفی گری

۲۳ مهر ۱۳۹۵ ساعت ۱۰:۳۰

رهبران و روسای انجمن اخوت با اتخاذ یک سیاست همگرایی با تصوف و شبکه های فراماسونری، عملاً به عنوان محفلی برای نفوذ در ارکان حکومت پهلوی و همچنین کانونی برای پرورش نیروهای سیاسی و اجتماعی آینده تبدیل شد. در کنار این موضوع مراسم و آیینها و گرهمایی های انجمن اخوت کانونی بود جهت ترویج و تثبیت فرهنگ غربی در بین نسل جوان و طبقه روشنفکران سیاسی.

جوان و تاریخ- مقالات

مقدمه

تصوف، صوفی گری و عرفان یکی از مقوله های مهم تاریخ معاصر ایران می باشد؛ به ویژه اینکه تصوف در بین عامه مردم طرفداران زیادی داشت و از اینرو مورد توجه شبکه های فراماسونری جهت جذب و عضوگیری از لایه های مختلف جامعه مورد سوء استفاده قرار گرفت و با تشکیل نهادهای مختلف در پوشش عرفان و صوفی گری سعی نمودند عمق استراتژیک جامعه ایران را مورد هدف قرار دهند. یکی از مهم ترین تشکیلات شبکه فراماسونری در پوشش تصوف، انجمن اخوت بود که به دلیل سابقه فعالیت خود در تاریخ ایران، مورد توجه شبکه های فراماسونری قرار گرفت. این انجمن برخلاف اصول اولیه صوفی گری و عرفان که کسوت درویشی را فارغ از طبقه و خاستگاه و مرتبت افراد می دانست، نوع جدیدی از تصوف با ماهیت فراماسونری و وابسته به افراد مهم حکومتی، خاندان سلطنتی و روشنفکران وابسته به دربار را ارائه نمود و سیاست و کسب قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را جایگزین معنویت به عنوان شاکله اصلی تصوف ماسونی نمود. علی رغم سابقه فعالیت این انجمن از واپسین سالهای سلطنت قاجاریه، ما شاهد این هستیم که فعالیت این انجمن در دوره پهلویها به ویژه پهلوی دوم روند رو به رشدی داشت و به عنوان یکی از کانونهای اصلی قدرت شبکه فراماسونری تبدیل شد.

سنگ بنای انجمن اخوت در دوران ناصرالدین شاه

میرزا محمد حسن اصفهانی، ملقب به «صفی علیشاه» بعد از سفرهای فروان به حجاز، هندوستان و عراق عرب و تالیف متونی چون تفسیر منظوم قرآن کریم و رساله در اثبات خلافت حضرت علی (ع)، سرانجام تهران را به عنوان کانون فعالیت خود انتخاب نمود و شبکه عرفان صفی علیشاه را بنا نهاد و به مرور زمان توانست در بین دولتمردان قجری نیز نفوذ زیادی کسب نماید به طوری که افراد با نفوذی حکومتی همچون «شاهزاده عبد العلی میرزا»، «میرزا نصر الله خان دبیر الملک شیرازی» (که مناصبی چون وزارت رسائل، داخله، خارجه و نیابت وزارت اعظم را بر عهده داشت)، «سیف الدوله» (حاکم ملایر و برادر عین الدوله) و مهم تر از همه «میرزا علیخان ظهیر الدوله» داماد ناصر الدین شاه و وزیر تشریفات و دربار نیز، با شرکت در محافل وعظ و سخنرانی وی، به فعالیت وی جنبه رسمی بخشیدند. [۱]

علی رغم اینکه ناصرالدین شاه از فعالیت این انجمن واهمه شدیدی داشت، اما جذب افراد حکومتی در این نهاد باعث شده بود که این شبکه بدون هیچ پویایی در اندیشه سیاسی خود به یک نهاد فرمانبر و مطیع سلطنت تبدیل شود. و در این میان نقش ظهیرالدوله [۲] داماد ناصرالدین شاه از همان سالهای تاسیس انجمن اخوت برجسته بود؛ [۳] بعدها به طور رسمی انجمن اخوت را تاسیس نمود و با حمایت مالی و اعتباری و بکارگیری درویشان در مراکز دولتی از انجمن اخوت حمایت می نمود. بعد از این تاریخ بود که انجمن اخوت به صورت مجمعی در شکل خانقاه با محتوای فراماسونری، در صدد جذب صاحبان قدرت و وابستگان به سلطنت و طبقه نوپای روشنفکری ایران بود. [۴]

اتحاد استراتژیک شبکه های ماسونی و کانونهای تصوف

با به قدرت رسیدن رضاخان در نتیجه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، علی رغم استبداد شدید دولتی و محدود شدن فعالیت احزاب سیاسی و غیر سیاسی، انجمن اخوت به فعالیت خود ادامه داد و ظهیرالدوله که در سالهای اول دولت کودتا در جلسات هفتگی انجمن شرکت می نمود، با دولت کودتا روابط مناسبی داشت. [۵] انجمن اخوت به دلیل اتخاذ سیاست محافظه کاری بعد از خلع رضاخان از سلطنت تا شهریور ۱۳۲۰ فعالیتهای سیاسی خود را توسعه نبخشید. در سال ۱۳۲۷ همزمان با پنجاهمین سالگرد تأسیس انجمن، با حزب عامیون به همکاری سیاسی پرداخت و از آنجایی که سران هر دو حزب عامیون و انجمن اخوت از قدیم الایام در سازمانهای فراماسونری عضویت داشتند، نفوذ شبکه فراماسونری در این انجمن افزایش پیدا نمود و اما در این میان حادثه سوء قصد به محمدرضا پهلوی در بهمن ۱۳۲۷ و کنترل و محدودسازی احزاب سیاسی، فعالیتهای انجمن اخوت از حالت علنی برای مدتی بیرون آمد. [۶] در این میان اعضای عالی رتبه انجمن اخوت به دلیل نفوذ عمیق و دامنه دار تصوف و عرفان در لایه های مختلف اجتماعی جامعه، از این انجمن برای توسعه شبکه های فراماسونری و رسیدن به مقاصد سیاسی و فرهنگی با پوشش تصوف در قالب محافل اخوت و فتوت استفاده نمودند. به ویژه اینکه اصول شش گانه درویشی ظهیر الدوله که شامل تعظیم امر الله، خدمت ولی الله، کتمان سر الله، محبت اهل الله، شفقت خلق الله و بذل نفس فی سبیل الله جاذبه های اجتماعی و تاریخی بسیاری در بین مردم ایران داشت. [۷] در هر حال این اصول شش گانه در ویژگیهای فراماسونری نظیر رازداری و کتمان سر و

سرسپردگی به پیر و مراد اشتراک نظر داشته اصولی که در آیین‌نامه پذیرش اعضا برای لژ بیداری ایرانیان نیز تصریح شده بود و بر ارتباط و همگرایی فوق‌العاده با اخوتیان تاثیر داشت.^[۱۸] اعضای هیئت رئیسه انجمن به صراحت به الهام‌گیری از میرزا ملکم، بنیانگذار فراماسونری در ایران و تلاش برای روشنگری و آشنایی مردم با تمدن جدید همراه با رعایت اصل مخفی‌کاری و احتیاط در منش بنیانگذاران انجمن توجه و تاکید داشتند.^[۱۹] حتی علائم و نشان انجمن نیز شباهت فراوانی به علائم ماسونها داشت.^[۲۰] رفته رفته همکاری و همگرایی انجمن با لژهای فراماسونری بیشتر گردید و اولین جلسه گروه ایرانی اتحاد جهانی فراماسونها (IUF) نیز در ۱۷ دیماه ۱۳۴۶ در ساختمان محل انجمن اخوت برگزار گردید.^[۲۱] در این راستا سیاست انجمن در جلب نظر طبقه نخبگان دانشگاهی و روشنفکری و هدایت آنان به سمت فراماسونری و هم‌زمان زدودن آموزه‌های معنوی از تصوف و تبدیل آن به دستمایه قدرت فاقد اندیشه سیاسی نیز حکایت از برنامه‌ریزی مرموز فرهنگی برای جامعه داشت. از اینرو انجمن همکاری وسیعی با لژ بیداری ایرانیان و لژهای چهارگانه مهر، آفتاب، وفا، صفا، و لژ مستقل ملی ایران داشت. لازم به ذکر است که تمامی مراسمات رسمی و غیر رسمی لژهای مذکور در محل انجمن اخوت که معبد و خانقاه نام داشت تشکیل و از اصطلاحهایی مانند رفیق، شاگرد و استاد برای اشاره به سلسله مراتب اعضا استفاده می‌شد.^[۲۲]

به عنوان فرجام سخن باید بگوییم که رهبران و روسای انجمن اخوت با اتخاذ یک سیاست همگرایی با تصوف و شبکه‌های فراماسونری، عملاً به عنوان محفلی برای نفوذ در ارکان حکومت پهلوی و همچنین کانونی برای پرورش نیروهای سیاسی و اجتماعی آینده تبدیل شد. در کنار این موضوع مراسم و آیینها و گره‌مایی‌های انجمن اخوت کانونی بود جهت ترویج و تثبیت فرهنگ غربی در بین نسل جوان و طبقه روشنفکران سیاسی. لذا انجمن در مسیر ارتباط با بسیاری از لژهای ماسونی قرار داشت و بسیاری از تربیت شدگان این مکتب استمرار روابط نابرابر ایران با استکبار و استعمار جهانی را فراهم نمودند.

پی‌نوشتها:

[۱] غلامحسین افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و سیروس سعدوندیانچ اول، تهران ۱۳۶۱، صص

۲۲

[۲] ظهیر الدوله سابقه حضور در لژهای فراماسونری همچون فراموشخانه و مجمع آدمیت و نیز لژ بیداری ایرانیان را نیز داشت.

[۳] ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، چ سوم، تهران، جاویدانه ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۱۳۷، ۱۳۵

[۴] غلامحسین افضل‌الملک، پیشین، صص ۳۷۷-۳۷۸

[۵] نورالله عقیلی، انجمن اخوت، فراماسونری و کارگزاران دوران پهلوی، مجله مطالعات تاریخی، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱۶، ص ۱۷۵

[۶] اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، چ چهارم، تهران، امیر کبیر، ۳ جلد سوم، صص ۵۰۵ و ۵۰۲

[۷] ابراهیم صفایی، پیشین، صص ۱۳۸-۱۳۹

[۸] مجید بزرگمهری، لژ بیداری ایرانیان، فصل نامه مطالعات تاریخی، س دوم، ش ششم، بهار ۱۳۸۴، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۲۴۷

[۹] نورالله عقیلی، پیشین، ص ۱۷۹

[۱۰] همان، ص ۱۸۵

[۱۱] اسناد فراماسونری در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چ اول، تهران، زمستان ۱۳۸۰، ۳۶۰-۱/۳۶۱، ۱۳۸۰

[۱۲] همان، ۱۱۹-۱/۱۲۰

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۱۶۳/سیاست-نفوذ-فرهنگی-سیاسی-فرهنگی-نفوذ-سیاست>